

أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ

أَجْمَدُ لِلَّهِ وَالْمَلَكُوتِ كَرَامَاتُهَا مَا مُحَمَّدٌ بَشَرٌ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ

تختی  
۱۳۱۵

رسالة نکاح

در بیت سلطنت کابینو در سنه ۱۲۶۱ هجری زیور طبع پوشیده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي حَلَّ النِّكَاحَ وَنَدَّ بِكَ لَيْدٍ وَحَمْدُ التَّوْحِيدِ  
وَتَوَعَّدَ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ  
وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ  
الْمَعْصُومِينَ وَغَضَبَ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَمَا بَعْدُ  
از تخریب این رساله و جزوه آنست که جمعی از برادران ایمانی و دانش  
روحانی فقیر کثیر کثیر التقصیر محمد باقر بن محمد تقی عظمی نند عنهما را

کلیف

تکلیف و تحریف مؤذنب بر تکریر افعال و صیغ عقود نکاح و انواع بقیرت  
آن بروچی که غایت احتیاط که در جمیع امور محسن و مرغوب فیه است  
در آن بوجه اکل مرعی بوده و چون امر فرج مزید احتیاط را نمر او را  
اجابت التماس ایشان را لازم دانسته چند کلمه در خورا در آن و فهم  
خوش در تکریر در آوردیم و علی تعد التکلان و هو المستعان فی  
جمیع الامور بسیار بدو است که ظاهر اخبار و اقوال اصحاب آفت که  
عقد و اتم را بلفظ نکاح و تزویج هر دو واقع میتوان ساخت و لکن  
مشایخ ما رضوان الله علیهم هر دو لفظ ایرادی نمودند رعایت نهائی  
الاحتیاط و همچنین باید دانست که مشهور و مدار عمل جمعی از افاضل که  
سعادت خدمت ایشان را یافته بودیم این بود که لفظ نکاح و تزویج  
هر دو مضمونانی مستندی بکلمه من میباشند و در کتب لغت متعدد  
بنفس واقع شده و در قرآن مجید نیز نکاح در مواضع متعدد آمده است  
مفسرین ابرو است و از آن جمله است قوله تعالی اُریدُ اَنْ  
اُنکِحَکَ اِجْدَى ابْنَتِی و تزویج و بعضی آیات مستندی غیر  
وارد شده است مثل قوله تعالی وَ ذَوِّجْنَا کُهَا و در بعضی مستند

جا آورده شده است و هر قولی که در آنجا آمده بخور عین  
 و لکن این شکسته بعد از قیام در بسیاری از اخبار دیده ام که کسی که  
 بین وارد شده است پس رعایت احتیاط مقضی آنست که کجی آن  
 وجه ایراد نماید ایضا در آیاتی که سابق ذکر یافت اسم مرد  
 مقدم است بر اسم زن و مشهور بالعکس است پس اگر رعایت  
 هر دو بشود اولی و احوط خواهد بود و ایضا ظاهر بسیاری از اقوال  
 اکثر اصحاب آنست که در باکره بالغه عاقله رضای دختر کافی است  
 چون قول تشریک و استعلال یعنی نیز هست احوط آن است  
 که بر رضای مرد واقع شود لهذا والد مرحوم رضی الله عنه از جهت  
 رعایت نهایت احتیاط که طریق مرصیه ایشان بود بوکالت  
 دختر جدا بوکالت بی جدا بوکالت مرد و در یک صنفه و بصیغه  
 بخت برودن ذکر و کالت بهر چهار طریق میفرمودند و ولی در کلام  
 پدر است و جد پدری و رضای هر یک ازین دو کافی است  
 و اگر این هر دو فوت شده باشند رضای دختر کافیست و اگر باکره  
 نباشد نیز رضای زن کافی است هر چند بر وجه داشته باشد

اینجا با یواز است که سه کس میان علم است که همه جمع عقود با تعصب  
 ایشا واقع با ریاضت مشاکسی که تعلق بلفظ کتبت نماید اگر مراد از  
 این باشد که قبل ازین کلام نکاحی واقع ساخته ام و باین کلام ازین  
 میم خبر است و باین نحو کلام واقع نمی شود و اگر مراد از این باشد که  
 بلفظ کتبت نکاح را واقع می سازم منمینی انشاست و باینمینی نکاح  
 واقع میشود و چنین در جمیع عقود مشاکست که میگوید می باید که هر دو  
 این باشد که عقود جمیع را همین لفظ کتبت واقع میسازم بعد از رسیدن عقود  
 بر آنکه خالی ازین نیست که یا وکیل مرد یا وکیل زن صیغه میگوید یا  
 بازن یا وکیل مرد یا بازن یا مرد یا وکیل زن و در هر صورت رضا  
 ولی در رعایت میباید کرد یا نه چنانچه ولی نداشته باشد یا اگر داشته  
 باشد باکره نباشد و از پنج جور است صورت هم میرسد و اینها در صورت  
 است که مرد و زن هر دو بالغ باشند و اگر هر دو نابالغ باشند یک  
 صورت دیگر است اگر مرد بالغ باشد و دختر نابالغ یا برعکس خالی ازین  
 نیست که یا ولی طفل نابالغ صیغه بگوید یا با وکیل یا با وکیل یا با  
 پنج صورت هم میرسد و با هشت صورت سابق سیزده صورت

حاصل میشود اول آنکه کسین با وکیل مرد صیغه کبر و ذوق با کرده باشند و دلی باشد  
 باشد و درین صورت، وکیلین اعتبار طاهم از جانب زن وکیل میشود و همه از جانب  
 مرد زن یا جد پدری زن پس فرض میکنیم که مرد محمد نام دارد و زن زینب او را و  
 زن بعد از تسین مهر میگوید آنکست مویک محمد مویکتی زینب علی  
 صدق خمسین تو مانا موصوفا وکیل مرد میگوید قبلت النکاح  
 لزوج محمد علی الصداق المعلوم پس وکیل زن میگوید زوجهت  
 مویک مویکتی بالمهر المعلوم وکیل مرد میگوید قبلت النکاح  
 لزوج محمد علی المهر المعلوم پس وکیلین می گوید زوجهت مویک  
 مویکتی علی المهر المعلوم وکیل مرد میگوید قبلت لزوج محمد علی المهر  
 المعلوم پس وکیل زن میگوید زوجهت محمد زینب علی الصداق  
 المعین الموصوف کسین مرد میگوید قبلت لزوج محمد علی المهر المعلوم  
 پس وکیلین میگوید زوجهت زینب محمد علی الصداق المعین  
 الموصوف وکیل مرد میگوید که قبلت وكالة عن مویک پس وکیلین  
 بگوید آنکست نفس مویکتی زینب وكالة عنها وعن ابيها وعن  
 جدتها من مویک محمد بالصداق المذكور وکیل مرد میگوید

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِرُوكَلِي بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ بِسُنِّ كَيْسَانَ مَيْكُويدِ زَوْجَتِ  
 بِنْتِ مُوَكَلِي مِنْ مَوَكَلِكَ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ كَيْسَانِ مَرُوسِكُويدِ  
 لَه قَبِلْتُ لِرُوكَلِي بِسُنِّ كَيْسَانَ مَيْكُويدِ أَنْكَحْتُ زَيْنَتَ مَرْوَكَلِكَ  
 عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ بِسُنِّ كَيْسَانِ مَرُوسِكُويدِ قَبِلْتُ لِرُوكَلِي دَوْمَانَكَ  
 زَيْنَ وَمَرُوسِكُويدِ كُوَيْدِ وَزَيْنَ دَلِي وَاسْتَشْرَفْتُ بِهَا كَرِهَ بِأَشْرَفَ زَيْنَ كُوَيْدِ  
 زَوْجَتِكَ نَفْسِي عَلَى صِدَاقِ حَمِيْنِ ثُوْمَانًا مَوْصُوفًا مَرُوسِكُويدِ  
 لَه قَبِلْتُ لِنَفْسِي عَلَى الصِّدَاقِ الْمَعْلُومِ بِسُنِّ كَيْسَانَ مَيْكُويدِ أَنْكَحْتُ  
 نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ مَرُوسِكُويدِ قَبِلْتُ لِنَفْسِي بِسُنِّ كَيْسَانَ مَرُوسِكُويدِ  
 زَوْجَتِكَ نَفْسِي صَالَةً وَوَكَالَةً عَنِ أَبِي وَعَنْ حَبِيْبِي بِالْمَهْرِ  
 الْمَعْلُومِ مَرُوسِكُويدِ قَبِلْتُ التَّرْوِيْحَ لِنَفْسِي بِسُنِّ كَيْسَانَ مَيْكُويدِ أَنْكَحْتُ  
 نَفْسِي لِنَفْسِكَ بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ مَرُوسِكُويدِ قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي  
 بِسُنِّ كَيْسَانَ مَرُوسِكُويدِ زَوْجَتِكَ نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ مَرُوسِكُويدِ  
 قَبِلْتُ لِنَفْسِي وَدَرِيْصِي حَمِيْنِ اسْتَشْرَفْتُ بِهَا كَرِهَ بِأَشْرَفَ زَيْنَ كُوَيْدِ  
 بِدَرِيْصِي كَيْسَانَ مَرُوسِكُويدِ نَحْوًا مَرُوسِكُويدِ وَوَكَالَةً عَنِ أَبِي وَعَنْ حَبِيْبِي بِالْمَهْرِ  
 كُوَيْدِ بِأَشْرَفَ زَيْنَ كُوَيْدِ مَرُوسِكُويدِ زَوْجَتِكَ بِسُنِّ كَيْسَانَ مَرُوسِكُويدِ

وَكَالَهُ عَنْهَا عَلَى صِدْقِ خَمْسِينَ نَوْمَانًا وَصَوْفًا جَرَابًا وَدُرَةً نَوَاحِي  
 است که مذکور شد پس بدین میگوید آنکس که منبتی زنیب و لایته علیها و کال  
 عنها بالمهر المعلوم بعد از جراب شوهر باز بدین میگوید که وَوَجَّتْ بِنْتِي وَنَيْبَ  
 مِنْكَ وَكَالَهُ عَنْهَا وَوَلَايَةَ عَلَيْهَا بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ بَعْدَ حَرْبِ  
 بَارِ بَدْرٍ مِثْلِي وَوَجَّتْ بِنْتِي زَيْنَبَ عَلَى لَصْدَاقِ الْمُعْتَمِرِ الْمَعْلُومِ  
 بدین میگوید قِلْتُ لِنَفْسِي عَلَى لَصْدَاقِ الْمَعْلُومِ سَوْمًا كَمَا وَكَيْلِي  
 بَأَوَّلِي مَرُوضِيغَةً مِثْلِي وَوَجَّتْ بِنْتِي زَيْنَبَ وَوَلَايَةَ عَلَيْهَا  
 كَقَمِّ صَبْنَاءَ رَأْسِي كَقَمِّ دَكَاةٍ بَدْرٍ أَلْفَ بَابٍ أَعْدَانِي وَكَلَّ جَارِيَةً  
 بِنْتِي بِأَبِيهَا ضَمَّ كَسْرًا كَمَا كَانَتْ كَمَا وَكَيْلِي بِبَدْرٍ أَنْكَرْتُ وَ  
 زَوَّجْتُ نَفْسَ مَوْلَاتِي زَيْنَبَ مَوْلَاكَ مُحَمَّدًا بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ  
 وکیل مرد میگوید قِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّرْوِيجَ وَكَالَهُ عَرَفُوهُ كُلِّي مُحَمَّدًا  
 بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ جِبَارًا كَزَيْنَبَ مَرُوضِيغَةً مِثْلِي وَوَجَّتْ بِنْتِي زَيْنَبَ  
 نَدَّاهُ بِأَبِيهَا وَوَجَّتْ بِنْتِي زَيْنَبَ مَوْلَاكَ مُحَمَّدًا بِالْمَهْرِ الْمَعْلُومِ  
 سیوم که لفظ بان نباید کرد و چه سیوم و چه سیوم است که مرکب از اسام  
 مذکوره است باین جهت که در این است و قبول است از آنست که در ذکر هر یک از این



تطول است پنجم بکلمه دروغ خیر باشند و ولایت عقد کنند ولی غیر  
 میگوید زوجه است آنکه بنده ولایت علیها علی الصداق  
 المعلومه ولی بر میگوید قبلیت التزوج لابنی ولایة الله علیه علی  
 الصداق المعلومه ولی در قراب و کبریا می زوجه است آنکه میگوید  
 بر دیگر زوجه است بنی میگوید پس از جواب لی مرد ولی زن میگوید آنکه  
 زوجه است بنی زینب من ابنک محمد علی صداق و غیره  
 عشرتو ما فانیضا صاحبقرانی اولی بر میگوید قبلیت التکاح  
 و کالتزوج لابنی و باقی صورتها از آنچه کفر ظاهر شود و باید دانست که کسی که  
 مرکب کالتظر من شود عارف بربیت بود و باشد که تکریم کرده و اعراب و  
 الفاظ را درست تلفظ تواند نمود و دیگر تشخیص بوی خود نزد تباری کرده باشد  
 که ادای حروف آن خارج تواند کرد و رعایت وقت و محل در مواضع خود  
 و چون در میان مجسم اسامی مرکب متعارف شده است مثل  
 محمد حسین و محمد علی ظاهرش نیست که رعایت قواعد ترکیب در میان نموده  
 حسین و محمد علی فتح و الی نون و الی با و اگر رعایت طوز عربی در محمد علی کسر  
 و الی یا بنون مجسم گوید از احتیاط هم دور نیست و هر یک از مردوزن که حاضر

باشند و وقت عقد اگر وکیل بخواهد ~~باید~~ <sup>باید</sup> پیش از آنکه بیاید و شماره کند و بیاید  
و باید که قبل از تمام صیغه ایجاب شروع قبول نکند و از تمام فاعله عینی در  
میان واقع نشود و باید که در هنگام وکیل شدن دو مرد عادل یا جمعی از شهود مرد  
حاضر باشند که آن زن را بشناسند و بدانند که او است که حرف میگوید  
نه گیری تا در وقت شهادت بتوانند شهادت داد و باید که در وقت وکیل  
شدن و صیغه گفتن تعیین مهر کند که زرتازه سکه است یا رانج نه و آنک  
و عینی است با دو دانگی و باید که قبل از شروع در صیغه کناح خطبه ششم  
و صلوة و تحریر بر کناح و تعذیب بر سفاح بخواند و خطبه های منقوله که  
در کینی است هر کدام را که بخواند خوب است و اگر آنها میسر نشود این دو کلمه  
که بخاطر رسیدنیت بسم الله الرحمن الرحیم ایچد لله الذ  
خَلَقَ مِنَ الْمَلِكِ لَشْرًا جَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرًا وَصَلَّى اللهُ عَلَى أَشْرَفِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
الَّذِينَ أَنْزَلَ اللهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا أَمَّا بَعْدُ  
فَقَدْ هَلَّ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَقَوْلُهُ الْحَقُّ وَانْجُوا آلِيَا  
مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ مِنْكُمْ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِ عَمَلِهِ وَسَمِعَ عَلِيمٌ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَنَاكحُوا وَتَنَاسَلُوا تَنَكَّرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي كَمَا الْإِثْمُ  
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَوْ بِالْقِطِّ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَشْرَفِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ  
 وَعِزَّتِهِ الْعَصُومِينَ بِنَاكِحِ رَحِيمَةً تَرْتَبِينَ بِرُوحِ مَبْلَغِ شَرْطِهَا  
 بِرُوحِ كَيْلِ زَنْ مَيُكُودِ مَشَعَتْ نَفْسَ مَوْكَلَتِي زَيْنَبٍ مِنْ مَوْكَلِكَ مُحَمَّدٍ  
 مِنْ الْإِنِّ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ بِأَرْبَعِ شَاهِيَّاتٍ كَيْلِ مَرُودِي بِرُ  
 قَلْبَتِ لِي وَكَلِي دَاكِرُ كَيْلِ نِ بَعْدَ زَيْبِيدِ مَدَتِ وَمَبْلَغِ بِرُودِ كَيْلِ مَشَعَتْ  
 نَفْسَ مَوْكَلَتِي مِنْ مَوْكَلِكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالمَبْلَغِ الْمَعْلُومِ  
 وَكَيْلِ مَرُودِي كَنْدُ خُوبِهَا وَكَرِهْتِي طَا مَوَافِقِ مَعْلُومِ حَادِيثِ كَثِيرَةٍ مِنْ  
 وَكَلْتِ بِكُودِ زَيْنِ كَتَرِ مَبْلَغِ مَسْمُومِ شَرْطِهَا كَتَرِ نَوَازِ مَبْلَغِ نَبْرِي وَادَا زَيْنَبِ  
 بِرُودِ عَدَةِ بَارِي وَطَلَبِ مَبْتِ لِيَالِي مَا نَعْدُ كَا حِ دَائِمِي نَهَائِي وَتَوَقُّعِ مَبْرَسَاتِي  
 قَرْنِ دَانِ وَنَدَا شَيْءِ دَرْمَتِ فُلَانِ مَبْلَغِ فُلَانِ وَصِينَةِ بَيْنِ نَحْوِ كُودِ  
 زَوْجَتِ نَفْسِ مَوْكَلَتِي وَنَيْبِ مَوْكَلِكَ مُحَمَّدًا مَشَعَتْ مَبْرَسَاتِي  
 كَلِمَاتٍ بِرُومَانِ نَفِضِي نَكَاحِ غَيْرِ سِفَاحِ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ  
 سَتَرِ نَيْبِ عَلَى أَنْ لَا تَزِيدُ وَلَا تَقُوتُهَا وَعَلَى أَنْ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ وَلَهُ

لَنْ يَجْزَلَ وَكَيْلٌ بِرُؤْيَاكَ قِيلَتْ عَلَى السُّرُوطِ الْمَذْمُومَةِ سَمْتٌ خَائِبٌ  
 بَرُودٌ لَكِرٌ طَرَفَيْنِ خُودٌ صَنِيعٌ كُتُوبٌ زَيْنٌ كُودٌ رُؤْيَاكَ تَقْصِيرٌ مَشْغُورٌ  
 صَمِيرٌ رِيٌّ غَاثٌ بِرِيسِ بَرَانِ تَكَلُّمٌ ظَاهِرٌ كَفْتُ وَشُوقٌ وَبُرْكَانٌ سَمْتٌ  
 وَالتَّالِيَةُ الْمَوْقِيُّ فَكُلُّ خَرِبَةٍ نَمُوهُ الْمَوْلَى الْبَلَدُ الْمَذْمُومَةُ مَسْتَبَدُّ قَرِينٌ مُحَمَّدٌ لَقِي

عنى عنها بالنسبة الى الظاهرين

المقدسين وعلی الله عظیم

همین واحمد بنده اولاد

در حاشیه

تعلیق  
۱۳۲۵